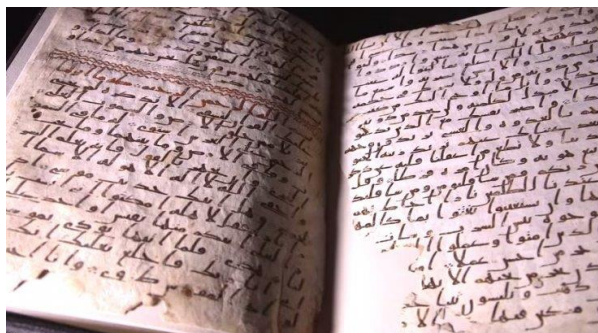


خطای علمی در کشف تاریخ نسخه بیرمنگام



آذرنوش با اشاره به پیشینه واژه «رحمان» در تحقیقات خود گفت: ما نسخ خطی متعددی در روسیه، لندن، پاریس، مراکش و قاهره داریم که همگی به قرن دوم باز می‌گردند؛ اما نمی‌توان آزمایشات درباره نسخه بیرمنگام را چندان دقیق دانست؛ زیرا امکان خطای علمی وجود دارد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، نشست «گونه‌شناسی مطالعات قرآنی در جهان معاصر؛ مطالعات قرآنی در غرب» با حضور آذر تاش آذر نوش، مدیر بخش ادبیات عرب مرکز دایرة العمارف بزرگ اسلامی و فروغ پارسا، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات قرآن و حدیث پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست آذرنوش گفت: نمی‌توانیم به صورت دقیق تاریخ نسخه‌های خطی که در دست داریم را مشخص کنیم به همین دلیل به احادیث مراجعه می‌کنیم و زمانی که کار علمی مطرح می‌شود مشکلاتی پیش روی ما قرار می‌گیرد. کارها و مطالعات مستشرقانی چون «ونز برو» درباره تاریخ اسلام دقیق است اما زمانی که وی می‌گوید قدیمی‌ترین نسخه قرآن مربوط به قرن دوم هجری است و ما قرآنی از زمان پیامبر(ص)، ابوبکر و عثمان در دست نداریم دچار پریشانی می‌شویم.

وی در ادامه گفت: دروش هم اکنون در تهران است؛ وی با مطالعه نسخه خطی صنعا که به‌تازگی کشف شده است به این نتیجه رسید که تاریخ این نسخه به سده هجری باز می‌گردد. ما نسخ خطی متعددی در روسیه، لندن، پاریس، مراکش و قاهره داریم؛ این نسخ همگی به قرن دوم باز می‌گردند. البته نسخه بیرمنگام نتایج تعجب‌آوری را برای مسلمانان به همراه آورد. متخصصین نسخه‌شناس روی این نسخه آزمایش کربن چهارده را انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که این نسخه مربوط به قبل از پیامبر(ص) است. اما نمی‌توان این آزمایشات را چندان دقیق بدانیم و در این آزمایش امکان خطای علمی وجود دارد.

نویسنده کتاب «اسلام‌پژوهی تاریخی و فرهنگی» گفت: می‌خواهم درباره کلمه‌ای که چندین سال روی آن کار کرده‌ام سخنانی را برای شما بگویم؛ البته مطالعات من با تمرکز به مطالعات مستشرقین است. کلمه «الرحمان» موضوع بحث امروز من است؛ این کلمه بسیار کهن است و به باورهای سخت مردم پشت گرمی گرفته است. ترجمه «بسم الله الرحمن الرحیم» از زمان سلمان فارسی به معنی خداوند بخشایشگر مهربان ترجمه شده است؛ اما ماجرا به این سادگی نیست. رحمان ربطی به بخشش ندارد، البته بخشش از تبعات رحمت خداوند محسوب می‌شود اما نمی‌تواند تمام معنی رحمان را مشخص کند.

آذر نوش در ادامه با اشاره به تبار واژه رحمان گفت: رحمان ۳۰۰ سال قبل از قرآن در زبان‌های سامی، آرامی و کتیبه‌های پالمیری به کار گرفته شده است. در کتاب یهودی‌ها کلمه رحمان، رحمانا نوشته شده است.

نویسنده کتاب واکاوی و معادل‌یابی تعدادی از واژگان قرآن کریم گفت: برخی دانشمندان عرب از جمله زجاج معتقد هستند که کلمه رحمان عربی نیست و ریشه‌هایی در یکتا پرستی دارد. دو موج یکتا پرستی مسیحی و یهودی و در سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌های آن

کلمه رحمان را بسیار می‌بینیم. البته رحمان شکل مخصوص به خود را دارد. در روایات مسیحی وقتی به رب می‌رسند به جای آن رحمان را می‌گذارند. یهودی‌ها نیز یهوه می‌گذارند. کلمه الرحمان به معنا خدای متعال اطلاق می‌شود.

آذر نوش در ادامه گفت: قریشی‌ها و حجازی‌ها به ندرت با کلمه الرحمان آشنا هستند؛ آنها زمانی که خداوند در سوره فرقان و دیگر آیات الرحمان را بکار می‌برد برای آنها ناآشنا بود. زمانی که پیامبر(ص) بانگ می‌زد: الله الرحمان، قریشی‌ها تعجب کردند و می‌گفتند: محمد(ص) ادعا می‌کند یک خدا وجود دارد اما برای دو خدا دعا می‌خواند؛ یعنی الله و رحمان را در دو معنا جدا می‌گرفتند. در صلح حدیبیه کفار قریش بسیار با فشاری می‌کرد که عبارت بسم الله الرحمان الرحیم به کار گرفته نشود.

وی در ادامه گفت: الرحمان به راستی کلمه پیچیده‌ای است و هیچ‌گاه در قرآن با هیچ کلمه دیگر در جمع نیامده است. حال آنکه تمام اسماء خداوند در کنار دیگر به کار گرفته شده است؛ به عنوان مثال رحیم ۱۱۵ بار در قرآن استفاده شده است، ۴ بار تنها، ۷۰ بار در کنار غفور و ۱۳ بار با عزیز آمده است، در حالی که الرحمان این حالت را ندارد.

آذرنوش در نتیجه‌گیری بحث خود گفت: کلمه الرحمان گواه تمام عظمت خداوند است؛ این کلمه نمی‌توان برای آن معنای در نظر بگیریم پس رحمان را مانند الله که تاکنون در معنا خداوند به کار گرفته‌ایم معنا می‌کنیم و رحمان را به معنی خاصی تقلیل نمی‌کنیم. رحمان خداوند متعال را بیان می‌کند و زمانی که می‌خواهیم بسم الله الرحمان الرحیم را معنی کنیم می‌گوییم به نام خداوندی که رحمان و مهربان است. رحیم جزئی از خداوند است و رحمان کل خداوند را بیان می‌کند.

در ادامه نشست فروغ پارسا گفت: بحث مطالعات قرآنی در غرب معاصر قدمت ۲۰۰ ساله دارد در این مدت صدها اثر منتشر شده است که بحث کردن در این موضوع در این فرصت کم دشوار است.

وی در ادامه گفت: ابتدا لازم می‌دانم مشخص کنم که منظور ما از دوران معاصر کدام دوران است؛ بعضی‌ها دوران معاصر را بعد از قرون وسطی و بعضی‌ها بعد از رنسانس دوران معاصر تلقی می‌کنند. در تاریخ ایران نیز از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی دوران معاصر در نظر می‌گیرند. تصور می‌کنم در حوزه مطالعات قرآنی دوران بعد از تحول یعنی بعد از اندیشه سیدجمال یعنی قرن ۱۳ قمری یا ۱۹ میلادی دوران معاصر در نظر بگیریم.

وی در ادامه طبقه‌بندی از مطالعات قرآنی در غرب را ارائه داد و گفت: مطالعات قرآنی در غرب را می‌توان در ۴ دوره تقسیم بندی کنیم؛ دوره اول در سده اول هجری آغاز می‌شود. در این دوره مسلمانان آندلس، شام، دریای مدیترانه، جنوب ایتالیا و اسپانیا را تصرف می‌کند. دوره دوم مقارن با جنگ‌های صلیبی است. در این دو دوره بیشتر مطالعات غربی با رویکرد تبشیری و جدلی نگاشته می‌شد که می‌توانیم به رساله الوگوس از اهالی برطیه و نیکتاس بیزانسی اشاره کنیم.

پارسا در ادامه گفت: دوره سوم از نیمه دوم سده هجدهم تا پایان جنگ جهانی دوم آغاز می‌شود و دوره چهارم از بعد از جنگ جهانی دوم تا به امروز را در برمی‌گیرد؛ در این دوره مطالعات قرآنی با رویکرد علمی نگاشته می‌شدند. پس می‌توانیم رویکردها و مطالعات قرآنی در غرب را در رویکردهای تبشیری و جدی، تمدنی و فرهنگی، سیاسی و استعماری و علمی پژوهشی تقسیم بندی کنیم.

پارسا در آخر گفت: فعالیت‌های غربیان در مطالعات قرآنی را می‌توان به صورت مکتوب و غیر مکتوب تقسیم بندی کنیم. فعالیت‌های مکتوب آنها در پدیدار کردن مراکز اسلام شناسی و قرآن شناسی و برپای همایش‌های بین المللی نمودار می‌شود. این در حالی است که فعالیت‌های غیر مکتوب آنها در تصحیح و نشر کتاب‌های خطی و ترجمه و چاپ قرآن به زبان‌های اروپایی نمودار شده است.